روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
دوشنبه | ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۳ رمضان ۱۴۴۱ | ۲۷ آوریل ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۹۱۲ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
۱۱۸۱ سال و ۱۷۳ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2912 | MON.APR.27, 2020 | ISSN:2008-2886

«وطن امروز» در گفت‌وگو با فؤاد ایزدی بررسی کرد

چرایی زمین‌گیرشدن آمریکا در کرونا

صفحه ۷

گفت‌وگو با ۲ مستندساز موفق طبیعت که کارهای‌شان با استقبال مخاطبان مواجه شده است

دلبسته طبیعت ایران

صفحه ۵

کرونا پررو می‌شود!

حسن روحانی: اگر کسی خودش را در برابر کرونا ببازد کرونا پررو می‌شود مانند این ابرقدرت‌ها؛ شما در برابر ابرقدرت خود را ببازید او پررو می‌شود اما اگر با نشاط بایستید فرار می‌کند؛ رفتار کرونا مشابه این است

کشور براساس وضعیت شیوع کرونا به ۳ منطقه تقسیم می‌شود:
سفید به معنای نبودن فوتی و بستری جدید
زرد به معنای داشتن یکی از موارد فوتی یا بستری
قرمز به معنای داشتن فوتی و بستری جدید

صفحه ۴

عکس: President.ir

تیترهای امروز

آسمان و ریسمان بافتن وزیر خارجه آمریکا برای تهدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران

هذیان‌های تکراری

صفحه ۲

«وطن امروز» از میزان آسیب کرونا به کسب‌وکارها گزارش می‌دهد

سکته فروش سرفه تولید

■ میزان فروش کالاها پس از کرونا ۸۳ درصد و حجم تولید ۲۲ درصد کاهش یافته است

صفحه ۳

جزئیات تازه از اختلاف پرسپولیس و کارگزار

درآمد صفر تا پایان بهار!

صفحه ۶

حاج یونس حبیبی، مداح جانباز به شهادت رسید

یا اباعبدالله‌الحسین نگهدارت

صفحه ۸

سندروم ویروس بی‌قرار!

[نوید مؤمن]

یادداشت

این روزها و در بحبوحه شیوع کرونا، گردانندگان شبکه «بی‌بی‌سی» روزهای سختی را سپری می‌کنند! وصله و پینه کردن گاف‌های متعدد تحلیلی و رسانه‌ای این شبکه طی ۲ ماه اخیر واقعا کار آسانی نیست! بی‌بی‌سی همان شبکه‌ای بود که با آب و تاب اخبار مربوط به شیوع کرونا در ایران را منتشر کرد و حتی ابتلای ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت کشورمان به «کووید-۱۹» را نمایانگر «عمق فاجعه» در ایران خواند. با این حال، زمانی که کرونا بر «خانه شماره ۱۰ داونینگ استریت» و کاخ باکینگهام سایه انداخت و «بوریس جانسون» و پرنس «چارلز» را روانه بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان کرد، «کروناشمار» بی‌بی‌سی در ایران از کار افتاد! مجریان این شبکه منفور (اعم از پارسی‌زبان و غیرپارسی‌زبان)، این بار ترجیح دادند مدیریت دولت انگلیس بر خانه‌های سالمندان را به عنوان نماد «برتری خود بر دیگران» در دوران شیوع کرونا معرفی کنند.

در این باره، شبکه بی‌بی‌سی کشورهای اروپایی دیگر را نیز از حملات خود بی‌نصیب نگذاشت! اوایل ماه آوریل، «لاکی ویلیامسون» خبرنگار شبکه بی‌بی‌سی در فرانسه، وضعیت یکی از خانه‌های سالمندان در منطقه «روچیلد» در پاریس را این‌گونه توصیف کرد: «در بیرون این خانه سالمندان، یک خودروی ون وجود دارد. بار این خودرو، جعبه‌ای چوبی (تابوت) بوده که با پلاستیک پوشیده شده است. شاهدان می‌گویند بارها شاهد رفت‌وآمد این خودرو و بارگیری جنازه‌ها توسط آن بوده‌اند. ۱۶ نفر از سالمندان مبتلا به کرونا تا لحظه تنظیم گزارش (۱۱ فروردین‌ماه) بر اثر این بیماری درگذشته‌اند. ۸۰ نفر دیگر از سالمندان نیز پشت درهای بسته و حفاظت‌شده این مرکز، با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.

با این حال، شبکه «بی‌بی‌سی» کمترین سخنی از مرگ سالمندان انگلیسی در سایه بی‌توجهی و اقدامات غیرانسانی دولت بوریس جانسون به میان نیاورد. شبکه «یورونیوز» در این‌باره می‌نویسد: «سازمانی که خانه‌های سالمندان و از کارافتادگان مستقل در انگلیس را نمایندگی می‌کند، هشدار داده است که در صورت گنجاندن ۷ هزار و ۵۰۰ مورد مرگ ناشی از ویروس کرونا که در مراکز نگهداری سالمندان روی داده در آمار، شمار کلی قربانیان کرونا افزایش چشمگیری خواهد یافت. این سازمان با استناد به تخمین‌هایی که بر اساس میزان مرگ‌ومیر در این مراکز از اوایل ماه آوریل گزارش شده، هشدار داده ممکن است تعداد سالخوردگان قربانی «کووید-۱۹» به ۷ هزار و ۵۰۰ نفر افزایش پیدا کرده باشد. این یعنی ۵ برابر بیشتر از تعدادی که دولت انگلیس (درباره مرگ سالمندان) اعلام کرده است!»

سیاست خبری بی‌بی‌سی در قبال این فاجعه انسانی کاملا مشخص است! حتی بی‌بی‌سی ماه مارس و زمانی که دستور خاص وزارت بهداشت انگلیس به پزشکان، درباره قدرت «انتخاب میان بیماران بدحال» از سوی آنها صادر شد، به گونه‌ای این اخبار را تحریف و سانسور کرد که گویا اساسا چنین دستورالعمل زننده‌ای از سوی دولت جانسون صادر نشده است!

شبکه بی‌بی‌سی با شیوع کرونا در انگلیس مانند سندروم ویروس بی‌قرار برخورد می‌کند! ویروسی که اساسا حساب و کتابی ندارد و شهروندان نیز حق سرزنش دولت را در قبال شیوع آن ندارند! در انگلیس مردم موظفند بپذیرند که این ویروس، غیرقابل کنترل بوده و هر اقدامی که دولت انجام می‌دهد، لطف مضاعفی است که در حق شهروندان می‌کند و باید از آن بسیار ممنون باشند! در انگلیس، جانسون به جای آنکه به نماد فردی تبدیل شود که با تمسخر ویروس کرونا در روزهای اول شیوع آن و اصرار بر استراتژی خطرناک ایمنی گله‌ای منجر به مرگ هزاران انگلیسی شد، به نماد نخست‌وزیری دلسوز تبدیل می‌شود که خود نیز به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان به سر می‌بُرد! در این کشور اهمیتی ندارد که سالمندان از کمترین حمایت لازم در برابر کرونا برخوردار نباشند و حتی حق ورود به بیمارستان از آنها گرفته شود! همچنین قطع کردن تجهیزات و دستگاه‌های تنفسی از بیماران نیز مرهون همین ویروس بی‌قراری است که «همه چیز» را بر هم زده و اساسا کاری در مقابل آن نمی‌توان کرد! اما زمانی که «کووید-۱۹» مرزهای انگلیس را پشت سر می‌گذارد و وارد کشورهای دیگر می‌شود، تبدیل به ویروسی قابل کنترل می‌شود! در این صورت «کرونا» حکم خط‌کش و معیاری را دارد که می‌توان نحوه مدیریت کشورها در مواجهه با آن را با استناد به فاکتورهایی مانند رفتار دولت‌ها هنگام شیوع اولیه، میزان امکانات و تجهیزات درمانی، توانایی دولت‌ها در بسیج افکار عمومی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مانند سالمندان مورد سنجش و ارزیابی قرار داد! این سنجش و ارزیابی توسط خود کارشناسان بی‌بی‌سی صورت می‌گیرد! در این میان اهمیتی ندارد که در فاصله نزدیک به محل استودیوی خبرپراکنی بی‌بی‌سی، چندین نفر در خانه‌های سالمندان و بدون بهره‌مندی از حداقلی‌ترین امکانات، در حال دست و پنجه نرم کردن با مرگ هستند!

نقدی بر غرب‌شناسی از دریچه کرونا

[روح‌الله اژدری]

نگاه

کرونا یکی از نقاط عطف قرن بیست‌ویکم است که بر اساس پیش‌بینی‌های اندیشمندان سیاسی تحول شگرفی در روابط بین‌الملل پدید خواهد آورد. بعضی معتقدند شاید هسته قدرت را از غرب به شرق منتقل کند. جهانی شدن را متوقف کند. ناسیونالیسم را زنده کند. اندیشه‌های اشتراکی را بازگرداند و دین را در غرب احیا کند اما آنچه به نظر نگارنده حتما اتفاق می‌افتد، تغییر نگاه بسیاری به غرب و تمدن مدرنیته است. گروهی با نگاه محافظه‌کارانه درصدد حفظ وضع موجود خواهند بود و گروهی دیگر با نقد مدرنیته و پست‌مدرنیسم تلاش خواهند کرد فضای جدیدی برای تنفس بشر پدید آورند. در این میان جریانی که بتواند بن‌بست‌هایی را که اندیشه مدرنیته و پست‌مدرنیته برای بشر پدید آورده‌اند، باز کند آنی است که بتواند ایدئولوژی مدرنیته یعنی لیبرالیسم را بهتر نقد کند و آنتی‌تز آن را هم داشته باشد. این فقط از منظر نقادی دینی امکان‌پذیر است. شاید برخی اندیشمندان، چین و روسیه را در میدان رقابت با غرب مدنظر قرار دهند اما مولفه قدرت‌زایی که این دو ندارند، ایدئولوژی است. اگر انقلاب فرانسه نقطه عطف ظهور ایدئولوژی لیبرالیسم در جهان بود، انقلاب اسلامی ایران نیز نقطه عطف ظهور ایدئولوژی اسلامی است. غرب فقط از منظر ایدئولوژی آسیب‌پذیر است و ایدئولوژی اسلامی است که می‌تواند آنتی‌تز لیبرالیسم باشد. اما لازمه این نگاه انتقادی در عرصه اندیشه، غرب‌شناسی است. در ایران زاویه دید متنوعی نسبت به غرب وجود دارد. امروز میدان ابتلا به کرونا و مقابله با آن بهترین آزمون برای اندیشه‌های غرب‌شناسانه است؛ چرا که کرونا با ضربه‌ای مهلک بر پیکره تمدن مدرنیته، زلزله‌ای در حوزه فرهنگ، فلسفه و ساختار مبتنی بر تجربه‌گرایی پدید آورده است. در ایران نیز این ضربه مهلک احساس می‌شود و غربگرایانی که تمام آمال و آرمان‌شان تبدیل ایران به کشوری غرب‌زده از نظر شکلی و محتوایی بوده است، سخت به دست و پا افتاده‌اند. در میان معرکه کرونا، مدعیان برتری تمدن غرب که قائل به تجزیه‌ناپذیری غرب هستند به میدان آمده و در جهت استخفاف ملت و تخطئه نظام جمهوری اسلامی قلم‌فرسایی کرده‌اند. نگاهی به اظهارات این به اصطلاح غرب‌شناسان از این منظر ضروری است که این جریان فکری ۱۵۰ سال از آخوندزاده و طالبوف و سیدحسن تقی‌زاده تا عبدالکریم سروش پروژه از سر تا پا غربی شدن را پیگیری می‌کنند.

در شرایط فعلی عبدالکریم سروش را باید پدر اندیشه غربگرایانی دانست که غرب را به عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر می‌دانند. وی در کتاب «فربه‌تر از ایدئولوژی» در فصل «مسلمانی و آبادانی- کافری و کم‌رشدی» تمدن غرب را دارای ۳ رویه متصل به هم می‌داند. رویه اول مفاسد اخلاقی، رویه دوم استکبار و استعمار و رویه سوم عقلانیت، علم و تکنولوژی. وی معتقد است این ۳ رویه لازم و ملزوم یکدیگر و غیر قابل تفکیک هستند و غرب با چشم بسته و ناآگاهانه و در قالب یک پروسه به این مرحله از توسعه دست یافته است و اگر دیگران هم در پی توسعه هستند باید بپذیرند با چشم باز و آگاهانه و در قالب یک پروژه همین راه را بروند.

وی در معرکه کرونا از داروخانه دونبش غربگرایی به در آمد و نسخه‌ای برای درمان جامعه کرونازده ایران پیچید که سر فصل آن این جمله بود: «خدا به هر دردی نمی‌خورد». جالب است بدانیم نقد ایدئولوژیک نظام اسلامی از ناحیه سروش زمانی انجام می‌شود که مدعیان علم پوزیتیویستی و بنیانگذاران اندیشه حذف خدا در مخمصه کرونا، در حال سقوط از برج «امپرایراستیپ» بی‌اختیار دست به دامن قدرت الهی شده‌اند و رئیس‌جمهور جانی مدعی‌ترین کشور لیبرال- دموکراسی جهان با ناامیدی از علم و ساختار دموکراتیک چنین می‌نویسد: «افتخار بزرگی برای من است که یکشنبه ۱۵ مارس را به عنوان روز ملی دعا و نیایش اعلام کنم. ما کشوری هستیم که در طول تاریخ در زمان‌هایی مانند الان برای محافظت به قدرت خداوندی روی می‌آوریم».

سروش چنان در نسخه‌پیچی فلسفی در ساحت لیبرال مغروق بوده که بازگشت انسان لیبرال به سوی خدا در تصورش نمی‌گنجیده است. شاید اگر کمی عجله نمی‌کرد و تلاش نداشت از کرونا بهره‌برداری سیاسی کند، فرصت می‌یافت آثار کرونا را در قدسی کردن انسان درک کند و بعد به جای توصیه به ما درباره خدا و دعا و نقش ائمه هدی(ع)، به جناب ترامپ نامه بنویسد و به او بگوید این کار او خلاف اندیشه مدرنیته است و خدا به هر دردی نمی‌خورد. اینجا که این حرف‌ها خریداری ندارد. بعید است در دنیای غرب هم پس از کرونا به همان محکمی «آگوست کنت» دم از پایان یافتن مرحله ربانی بزنند و مثل «مارکس» دین را افیون توده‌ها بدانند یا مانند «ریمون آردن» از خدا بیزاری بجویند.

سیدجواد طباطبایی، نظریه‌پرداز اندیشه ایران‌شهری که بدیلی باستانی و البته لیبرالیزه در برابر اندیشه مترقی شیعی است، در اظهارنظری تند از به کار بردن واژه مستضعف که واژه‌ای قرآنی و دارای بار ایدئولوژیک است، برای مردم آمریکا برمی‌آشوبد و در یک خودتحقیری آشکار رجال کشور را متهم می‌کند که وقتی نمی‌توانند از پزشکان و پرستاران خود محافظت کنند، چگونه دم از بهم زدن معادلات جهانی می‌زنند. البته او هم مثل سروش در آمریکا تشریف دارند و اگر عجله نمی‌کردند بخوبی مدیریت ناکارآمد و ساختار فشل دموکراتیک آمریکا را مشاهده می‌کردند که به‌رغم ادعای پیشرفت و رهبری جهان بر تن پرستاران و پزشکان خود پلاستیک زباله می‌پوشانند و از دیگر کشورها ماسک و لوازم بهداشتی می‌دزدند؛ کشوری که مدعی بود در رتبه‌بندی آمادگی مبارزه با بیماری واگیردار در رتبه اول جهانی قرار دارد. صف‌های طولانی برای دریافت غذا از بانک‌های غذا و خیریه‌ها و هجوم برای خرید اسلحه برای دفاع در وضعیت بحرانی و درگیری‌های فیزیکی برای دستمال توالت، بخوبی سیمای استضعاف مادی و فرهنگی اکثریت ملت آمریکا را نشان می‌دهد. و صد البته برای کسانی که تمام تلاش خود را برای الگوسازی از سیمای ظاهری آمریکا برای کشورهای جهان سوم به کار گرفته‌اند، دیدن این تصاویر بسیار سخت و جانکاه است و طعنه‌ای کوچک نیز آنها را وادار به واکنش می‌کند تا از موضع دفاع از تمدن پوسیده غربی برآیند.

عباس آخوندی که در دولت‌های لیبرال رفسنجانی و روحانی بر کرسی وزارت راه‌وشهرسازی تکیه زده، در حالی که بسیاری از اندیشمندان جهان از تضعیف جهانی شدن و تقویت رویکردهای درون‌گرای ملی سخن می‌گویند، با برشمردن امراض اقتصادی کشور و تایید تحول جهان پس از کرونا، باز نسخه پیوستن به نظام جهانی را تجویز می‌کند. وقتی کرونا همکاری‌های بین‌المللی را مختل می‌کند و هر کشور بر اساس منافع خود مجبور به بستن مرزها و جلوگیری از روابط اجتماعی و اقتصادی با سایر کشورها می‌شود، این فرآیند می‌تواند روند جهانی شدن و سودمندی آن را برای همه کشورها زیر سؤال ببرد. فرآیند جهانی شدن یا پروژه جهانی‌سازی، برونگرایی اقتصادی را برای توسعه لازم می‌داند. برون‌سپاری قابلیت‌های تولیدی به خارج از کشور، بویژه از ناحیه قدرت‌های بزرگ اقتصادی به دلیل بهره‌مندی از نیروی کار ارزان کشورهای آسیایی از سیاست‌های اقتصادی جهانی‌سازی و سرمایه‌داری است. نمونه کلاسیک این مسأله برون‌سپاری صنعت داروسازی آمریکا به چین است که امروز به بحرانی بزرگ در تامین ماسک و لوازم اولیه بهداشت و درمان در آن کشور تبدیل شده است. آنچه امروز به عنوان جنگ ماسک در قالب ماسک‌دزدی کشورهای سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد، نتیجه سیاست جهانی‌سازی است. وقتی چرخه زنجیره تولید در جهان به واسطه بحرانی مثل کرونا، جنگ و... مختل شود، قطعا مردم سراغ تولیدکنندگان داخلی و ملی خواهند رفت. پس از کرونا پیش‌بینی این است که حتی در کشورهای سرمایه‌داری هم که اقتصادی وابسته به نظام جهانی دارند این رویکرد حادث شود و صنایع غربی را وادار کند که محصولات‌شان را بیشتر در داخل کشور خود توزیع کنند. به نظر می‌رسد فرآیند توسعه در کشورهای در حال توسعه در جهان بشدت تحت تاثیر آثار بحران کرونا بر اقتصاد جهانی و روند رفتار کشورهای توسعه‌یافته قرار خواهد گرفت و کشورها تلاش خواهند کرد به جای آنکه توصیه‌های توسعه‌ای سازمان‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی و سازمان ملل را به کار بندند به رویکرد «برنامه‌ریزی درونگرای ملی» توجه کنند.

این نظریه‌پردازی وارونه آخوندی در شرایط کرونا چه دلیلی دارد؟ چرا در حالی که جهانی‌سازی و اتکا به خارج حتی کشورهای قدرتمند را به زانو درآورده است، وی باز بر ورود به نظام جهانی‌سازی غربی تاکید می‌کند. خودتحقیری این طیف از اندیشه‌ورزان(!) مانع از آن است که در جایگاه استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در معرکه کرونا نسخه جدیدی برای کشور بپیچند و لذا هنوز بر بهره‌برداری از نسخه‌های آماده تمدن غربی اصرار می‌ورزند.

احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب به نمایندگی از طیف حامی فتنه نیز در مطلبی به مصداق مثل معروف کی بود، کی بود، من نبودم! می‌نویسد: «بسیاری از اصولگرایان به‌رغم نفرتی که از آمریکا و اروپا به عنوان نمادهای تمدن غرب از خود نشان می‌دهند اما در پشت ذهن‌شان گویی تصوری بسیار اغراق‌آمیز و ایده‌آل از مواهب این تمدن پنهان شده است». وی در ادامه می‌نویسد: «واقعیت این است که بسیاری از متفکران مدافع روشنگری و دموکراسی نه فقط هیچگاه جوامع غربی را «بهشت موعود» نمی‌دانند بلکه رؤیای ایجاد «بهشت موعود» بر روی زمین را با سودای تبدیل این جهان به جهنم برابر می‌دانند! اینکه جوامع غربی از بسیاری مشکلات در زمینه‌های مختلف رنج ببرند، فقط از نگاه اصولگرایان کشور ما گویی کشفی عجیب و امری غریب است اما از نگاه برنامه‌ریزان و مدافعان آن جوامع موضوعی کاملاً عادی و طبیعی و بدیهی است!»

اینکه طیف همفکر جناب زیدآبادی تا دیروز و تا قبل از کرونا از غرب یک بهشت موعود تصویر می‌کردند بر کسی پوشیده نیست. با کمی پژوهش در روزنامه‌های عصر اصلاحات و رسانه‌های مجازی فعلی این موضوع قابل اثبات است. زیدآبادی با دیدن فروریختن تصویر ذهنی ساخته‌شده از بهشت موعود در بخشی از جامعه به واسطه کرونا به دست و پا افتاده تا روشنفکران را از حملات تند و تیز متفکران اسلامی منتقد غرب برهاند.

بزرگ‌ترین مشکل غرب‌شناسی در کشور ما همین تصویرسازی بهشت‌گونه از غرب است. همین حب‌هایی است که حتی در بحران کرونا نمی‌تواند مشکلات و معایب فرهنگی و ساختاری غرب را ببیند. همین وکیل‌المدرنیته‌های غربی است که به هر شکلی خود را موظف به ترویج و تطهیر و تایید غرب می‌دانند. غرب نه کل تجزیه‌ناپذیری است که نباید از علم و تکنولوژی‌اش استفاده کرد و نه کل تجزیه‌ناپذیری است که باید چشم‌بسته همه چیزش را پذیرفت. مدرنیته نفیاً و اثباتاً مسأله نیست؛ به فرمایش رهبر حکیم انقلاب، «تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است؛ تضاد بین ایمان و علم خنده‌آور است».

گروهی فکر می‌کنند چون غرب در سایه دین‌زدایی از جامعه به توسعه دست یافته پس کل توسعه مذموم است و گروهی دیگر در مقابل فکر می‌کنند چون غرب در سایه دین‌زدایی از جامعه به توسعه دست یافته پس مانع توسعه دین و دین‌داری است. جدال ما با غرب نه برای نو یا کهنه بودن چیزهاست. جدال ما جدال اندیشه‌هاست. جدال ایدئولوژی است که تمدن را می‌سازد. ما خواستار تمدنی با بنیاد اندیشه الهی و اسلامی هستیم و غرب بنیادی غیردینی دارد، لذا جدال بین حق و باطل است. بدتر این است که غرب در تلاش برای سلطه و تحمیل ایدئولوژی خود بر جهان و به تبع بر کشور ما هم هست. اتباع اندیشه غربی در کشور نیز چون در گفتمان غربی مشق کرده‌اند، همیشه جاده صاف‌کن غرب و توسعه غربی بوده‌اند.

ادامه در صفحه ۶

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz